



(يك مد و ده) قاعده فقهي ، مقوقى

۱-قاعده ائتمان

متن : « الامين لا يضمن » يا « ليس على الامين الا اليمين »
يعنى: امين ضامن نيست . يا بر امين چيزى جز سوگند لازم نيست .
(القواعد الفقهيہ ، ج ۲ ، صص ۴ تا ۱۶ - ماده ۶۱۴ و ۶۱۳ قانون مدنى)

۲-قاعده اتلاف

متن: « من اتلف مال الغير فلهو له ضامن »
يعنى : هر كس مال ديگرى را تلف كند ضامن آن خواهد بود.
(القواعد الفقهيہ ، ج ۲ ، صص ۱۷ تا ۳۹ - ماده ۲۳۸ قانون مدنى)

۳-احترام مال مسلمان

متن: « حرمه مال المومن كحرمه دمه » (حد يث نبوى)
يعنى : مال مومن همانند خون وى محترم است .(اصل ۴۶ و ۴۷ قانون اساسى)

۴- قاعده احسان

متن: « ما على المحسنين من سبى .(سورة توبه/۹۱)
يعنى بر نيكوكاران ايرادى نيست .
(دكتور ابوالحسن محمدى ، قواعد فقه ، ص ۴۱ - ماده ۳۰۶ قانون مدنى - ماده ۵۵ مجازات اسلامى)

۵-قاعده ارشاد

متن : « اعلام الجاهل على العالم واجب . »
يعنى : اقدام انسان در جهت ضرر خود ، مسقط ضمان است .
(دكتور محمدى ، قواعد فقه ، ص ۲۳۵ - ۲۱۵ قانون مدنى)

۷- قاعده اقرار عقلا

متن : « اقرار العقلا على انفسهم جائز »
يعنى : اقرار انسان عاقل به ضرر خود نافذ است .
(تحرير الجمله ، ج ۱ ، ص ۹۹ ، ش ۶۴ - ماده ۱۲۷۵ قانون مدنى - ماده ۲۰۲ آيين دادرسى مدنى مصوب ۱۳۷۹)



۸- « الاقرب یمنع الا بعد »

متن: « الزموا انفسهم ».

یعنی: به هر آنچه که غیر خودتان (پیروان مذاهب اسلامی ملتزم هستند ، شما نیز آنان را ملزم کنید .
(توضیح المسائل، بحث قاعده الزام ، آیه الله خویی)

۱۰- « البینه علی المدعی و الیمین علی من انکر »

یعنی: آوردن شاهد بر عهده مدعی و سوگند خوردن بر عهده خوانده است .

(القواعد و الفوائد ، ج ۱، قاعده ۱۵۴ ، ص ۴۱۷- ماده ۱۲۵۷ و ۱۳۲۵ قانون مدنی - ماده ۱۹۷ و ۲۷۲ قانون آیین دادرسی مدنی)

۱۱- « تصدیق الایمن فیما ائتمن علیه »

یعنی: صاحب مال باید قول امینی را که مال را نزد او امانت گذارده بپذیرد .

۱۲- تعیین

اگر امر دایر بین تعیین و تخییر در انجام وظیفه ای شد، اصل بر حقیقت است .

۱۳- التلف زمن الخيار من مال من لا خيار له .

یعنی: تلف شدن مال در زمان خيار ، از کیسه آن که حق خيار ندارد محسوب می شود .

(القواعد الفقهیه ، ج ۲ صص ۶۲ تا ۸۴ - ماده ۳۸۷ قانون مدنی)

۱۵- قاعده حل

متن: کل شی کان مشتبها بین الحلال و الحرام بحمل علی الحلال .

یعنی: اگر چیزی مشکوک بین حلال و حرام بود آن را جزء حلال ها محسوب می کنیم .

۱۶- الدین مقدم علی الارث .

یعنی ادای دین ، مقدم بر ارث بردن است . (ماده ۸۶۸ قانون مدنی) .

(القواعد الفقهیه ، ج ۱ ، ص ۲۴۰ - ماده ۷۴۰ قانون مدنی)

۱۷ الزعیم غارم . (حدیث نبوی)

یعنی: کفیل باید از عهده مورد کفالت بر آید . (القواعد الفقهیه ، ج ۱ ص ۲۴۰ - ماده ۷۴۰ قانون مدنی)

۱۸ قاعده تسلیط

متن: « الناس مسلطون علی اموالهم و انفسهم » . (حدیث نبوی)

یعنی: مردم بر جان و مال خویش ، سلطه و اختیار دارند . (ترمینو لوژی حقوقی ، ص ۲۵۸ ، ش ۲۰۸۳ - اصل ۴۶ و ۴۷



قانون اساسی (

قاعده سوق

یعنی: آنچه در بازار و جامعه مسلمانان عرضه می شود پاک و حلال است مگر خلافش ثابت شود

۲۰- اصل صحت

متن : « حمل فعل المسلم علی الصحه. »

یعنی : اعمال شخص مسلمان ،محمول بر صحت و درستی می باشد .(القواعد الفقهیه ، ج ۱، ص ۲۳۹)

۲۱- عدل و انصاف

یعنی : اگر در تعلق مالی به یکی از دو نفر مردد باشیم بین آن دو بالمنصفاته تقسیم می شود .

۲۲- عدم سماع الا انکار بعد الا قرار .

(ماده ۱۲۷۷ قانون مدنی)

۲۳- قاعده تبعیت عقد از قصد

متن : « العقود تابعه للقصد . »

یعنی : عقدها تابع قصدهای متعاقدين است .

(القواعد الفقهیه ، ج ۴ ، ص ۲۱۲ - ماده ۱۹۱ و ۱۹۴ قانون مدنی)

۲۴- قاعده علی الید

متن : « علی الید ما اخذت حتی تودیه . »

یعنی : بر صاحب ید است تا آنچه را که گرفته به ذی حقش تحویل دهد .

(القواعد الفقهیه ، ج ۴، ص ۲۱ - ماده ۳۰۸ قانون مدنی)

۲۵- قاعده غرور

متن: « المغرور یرجع علی من غره . »

یعنی : فریب خورده به کسی که فریبش داده مراجعه می کند (تا خسارت بگیرد)

(القواعد الفقهیه ، ج ۱، ص ۲۲۵)

۲۶- قاعده فراش

متن : « الولد للفراش و للعاهر الحجر . » (حدیث نبوی)

یعنی : فرزند به صاحب فراش ملحق است وزانی باید سنگسار شود .

(القواعد الفقهیه ، ج ۴ ص ۲۵ - التهذیب ، ج ۸ ص ۱۶۸ - ماده ۱۱۵۸ قانون مدنی)



۲۷- قاعده قرعه

: « لكل امر مشكل قرعه . »

يعنى : در هر امر غير قابل حل بايد به قرعه متوسل شود .
(ناصر مكارم شيرازى ، القواعد فقهيّه ، ج ۲ ، ص ۱۵۵)

۲۸- كل رهن فانه غير مضمون .

يعنى : در عقد رهن نبايد شرط ضمان قرارداد .
(ماده ۷۸۹ قانون مدنى)

۲۹- قاعده لا يضمن

متن : « كل عقد لا يضمن بصحيحة لا يضمن بفاسده »

يعنى: هر عقدى كه صحيحش ضمان آور نباشد فاسدش هم ضمان آور نيست .

۳۰- كل عقد يضمن بصحيحة يضمن بفاسده .

يعنى : هر عقدى كه صحيحش ضمان آور باشد فاسدش هم ضمان آور است .
(سبكى ، الاشباه و الانضائر ، ج ۲ ، ص ۴۵)

۳۱- كلما كان له منفعة محلله مقصوده تصح اجاره .

يعنى : هر چيزى كه داراى منافع حلال مورد نظر باشد اجاره دانش درست است .
(ماده ۴۶۷ و ۴۶۶ قانون مدنى)

۳۲- قاعده لا ضرر

متن : « لا ضرر و لا ضرار فى الاسلام »

يعنى : حكم ضررى در اسلام وضع نشده است .
(القواعد الفقهيّه ، ج ۶ ، صص ۹ ، ۱۲ ، ۷۸- اصل ۴۰ و بند ۵ اصل ۴۳ قانون اساسى)

۳۳- لا ضمان على المستعير .

يعنى : عاريه گيرنده ضامن نيست . (القواعد الفقهيّه ، ج ۷ ص ۵- ماده ۶۴۰ قانون مدنى)

۳۴- الممنوع شرعا كال ممتنع عقلا .

يعنى : چيزى كه شرعاً ممنوع است گويا عقلاً هم ممكن نيست . (تحرير الجملة ، ص ۴۳)



۳۵- لا مسا محه فی التحدیدات .

یعنی چیزهایی که شرعاً اندازه خاصی دارند (آب کر ، مقدار سفر ، بلوغ و ...) قابل مسامحه از جهت کم و زیاد شدن نیستند .

۳۶- لا میراث للقتل .

یعنی : قاتل از ارث مورث ، محروم است . (ماده ۸۸۰ قانون مدنی)

۳۷- اصل لزوم

متن : « الاصل فی العقود لزوم . »

یعنی : اصل در عقدها لزوم آنها است (مگر خلافش ثابت شود) (القواعد الفقهیه ، ج ۴ ، ص ۱۶۳ - ماده ۲۱۹ قانون مدنی)

۳۸- من احيى ارضا فهى له .

یعنی: هر کس که زمینی را احیا کند از آن اوست .

(مواد ۱۴۰ ، ۱۴۳ ، ۱۴۱ قانون مدنی)

۳۹- من استخرج ماء فهى له .

یعنی : هر کس آبی را استخراج کند از آن اوست . (ماده ۱۵۰ قانون اساسی)

۴۰- من حاز ملک

یعنی: هر کس که حيازت ملکي را نماید مالک آن خواهد شد . (ماده ۱۴۲ و ۱۴۳ قانون مدنی)

۴۱- قاعده من ملک .

متن : « من ملک شيئاً ملک الا قراربه . »

یعنی : هر که مالک چیزی شد می تواند به آن نیز اقرار نماید .

(القواعد الفقهیه ، ج ۱ ص ۷۸)

۴۲- من له الغنم فعليه العزم .

یعنی : آن که منافع را می برد ، زیان را هم باید تحمل کند . (التحریر الجملة ، ص ۵۶)

۴۳- نفی سبیل

یعنی: خداوند هرگز کافران را بر مومنان تسلطی نداده است (نساء / ۱۴۱)

متن : « و لن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلاً »

(القواعد الفقهیه ، ج ۱ ، ص ۱۵۷ - اصول ۸۱ ، ۸۲ ، ۱۵۳ ، بند ۵ اصل ۳ و بند ۸ اصل ۴۳ قانون اساسی)



۴۴- قاعده نفی عسر و حرج

: « و ما جعل عليكم في الدين من حرج »

(حج / ۷۸) ترجمه : و خداوند در دين كار سنگين و سختي بر شما قرار نداد .

يعني : هيچ كمكي نبايد موجب عسر و حرج مكلف شود.

(دانشنامه حقوقی ، ج ۳ ، ص ۱۴۴ به بعد - ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی)

۴۵- وجوب اعلام الجاهل فيما يعطى .

يعني : اگر كسى چيزى را كه خطرناك است به ديگرى كه جاهل بر آن است بدهد ، بايد او را از آن خطر آگاه كند و گر نه

ضامن است . ۴۶- وجوب التخليه بين المال و ملكه

يعني : بايع بايد موانع تملك و سلطه مشترى بر مبيع را بر طرف كند .

(ماده ۳۶۲ قانون مدنی)

۴۷- وجوب دفع الضرر المحتمل

يعني : دفع ضرر احتمالي واجب است (و نيز دفع افسد به فاسد جايز است)

۴۸- الوقف حسب ما يو قفها اهلها .

يعني : وقف ها بر اساس آنچه واقفين معين كرده اند عمل مى شود .

(مستدرک الوسائل ، ج ۲ ، ص ۵۱۱- ماده ۶۱ قانون مدنی)

۴۹- يحرم من الرضاع ما يحرم من النسب .

يعني : هر آنچه كه بر اثر خويشاوندی نسبی حرام است ، تر اثر خويشاوندی رضاعی هم حرام خواهد بود (وسائل الشعبه ،

ج ۱۴ ، ص ۲۸۰- ماده ۱۰۴۶ قانون مدنی)

۵۰- الزرع للزارع و لو كان غاصبا .

يعني : زراعت و كشت از آن زارع است ولو در زمين غصبی باشد . (ماده ۳۳ قانون مدنی)

۵۱- لا مهر لبغيه .

يعني : زن زانيه ، مهریه ندارد (قياس اولويت و مفهوم مخالف ماده ۱۰۹۹ قانون مدنی)

۵۲- الغاصب يوخذ باشق الاحوال .

يعني : با غاصب به شديدترين احكام رفتار مى شود . (جواهر الكلام ، كتاب غصب ، ص ۱۰)



۵۳- لا ینسب للساکت قول .

یعنی به شخص سکوت کننده چیزی منسوب نمی شود . (سبوطی ، الاشباه والنظائر ، صص ۱۴۲ و ۱۴۳- ماده قانون مدنی)

۵۴-الحاکم ولی الممتنع .

یعنی دادرس بر شخص امتناع کننده از انجام تکالیف ، ولایت دارد . (ماده ۲۳۷ و ۸۳۳ قانون مدنی)

۵۵- الجاکم ولی من لا وای له .

یعنی : دادرس بر کسی که فاقد ولی ات ولایت دارد .
(ماده ۱۲۱۸ قانون مدنی - ماده ۲۶۶ قانون مجازات اسلامی)

۵۶- الجاکم وارث من لا وارث له .

یعنی : حاکم وارث شخص بدون وارث است . (ماده ۸۶۶ قانون مدنی)

۵۷- الغائب علی وجه .

یعنی: شخص غائب در دادرسی حق اقامه دلیل دارد .
(القواعد الفقهیه ، ج ۳ ، ص ۸۶- ماده ۳۰۵ به بعد قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۶)

۵۸- البیعان بالخیار ما لم یفترقا .

(حدیث نبوی)

یعنی : متبایعین تا زمانی که از هم جدا نشده اند حق خیار دارند .
(مجله الاحکام العدلیه ، ماده ۴- کاتو زبان، عقود معین ، ص ۴۶ - ماده ۳۹۷ قانون مدنی)

۵۹- الکتاب کالخطاب .

یعنی: نوشته مثل گفته است . (القواعد و الفوائد ، ج ۱ ص ۱۹۸- دانشنامه حقوق ، ج ۴ ، ص ۴۲۲-۴۳۷)

۶۰- الحرام لا یحرم الحلال .

یعنی : عمل حرام بعدی ، حلال قبلی را حرام نمی کند (تهذیب الاحکام ، ج ۲ ، ص ۲۰۸ - ماده ۱۰۵۵ قانون مدنی)

۶۱- الحق القدیم لا یمطله شی

یعنی: چیزی نمی تواند حق به وجود آمده قبلی را از بین ببرد . (ماده ۹۷ قانون مدنی)

۶۲- الحق للمتقدم .



یعنی : اگر کسی ابتدا اقدام به ایجاد حقی نماید نسبت به آن بر دیگران اولویت دارد . (ماده ۱۴۲ قانون مدنی)

۶۳- الخراج با لضمان .

یعنی: منافع در مقابل ضامن بودن است . (شرح الجمله ، ج ۱، ص ۵۶ و ۵۷)

۶۴- الساقط لا يعود كما ان المعدوم لا يعود .

یعنی : حق ساقط شده باز نمی گردد همچنان که چیز از بین رفته حیات نمی یابد .
(تحریر الجمله ، ج ۱، صص ۳۶ و ۳۸ - بند ۳ ماده ۲۶۴ و مواد ۲۸۹، ۲۹۰ و ۲۹۱ قانون مدنی)

۶۵- الصلح جائز بین المسلمین الا صلحاً اُحل حراماً و حرم حلالاً .

یعنی: عقد صلح بین مسلمانان جایز است مگر صلحی که بخواهد حرامی را حلال کند یا حلالی را حرام نماید .
(القواعد الفقهیة ، ج ۵ ، صص ۸ و ۳۹ ماده ۷۵۴ قانون مدنی)

۶۶- الشرط جائز بین المسلمین الا شرطاً اُحل حراماً او حرم حلالاً .

جایز یعنی : شرط کردن بین مسلمانان است مگر شرطی که حرامی را حلال کند یا حلالی را حرام نماید .
(تحریر الجمله ، صص ۷۵ و ۷۶ - ماده ۲۳۲ قانون مدنی)

۶۷- الشرط الفاسد لیس بمفسد .

یعنی : شرط فاسد عقد را باطل نمی کند .

(القواعد الفقهیة ، ج ۴ ، صص ۲۰۰ ، ۲۱۷ ، ۲۱۸ - ماده ۲۳۲ قانون مدنی)

۶۸- الطلاق بید من اخذ بالساق .

(حدیث نبوی) یعنی : طلاق به دست کسی است که عقد به دست اوست . (مرد)

(حقوق خانواده ، محقق داماد ، صص ۱۳۶ و ۱۳۷ - ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی)

۶۹- اكل مال به باطل .

متن : يا ايها الذين امنو لا تاكلوا اموالكم بينكم بالباطل الا ان تكون تجاره عن تراض منكم... (نساء / ۲۹)
یعنی : امال یکدیگر را به ناحق نخورید مگر این که بر اساس تجارتی رضایت آمیز باشد .

۷۰- المومنون عند شروطهم . (حدیث نبوی)

یعنی : مومنان به شرطهایشان پایبندند . (محقق داماد ، قواعد فقه ، بخش مدنی ۲ ، ص ۳۷)

۷۱- نهی النبى عن الغرور . (حدیث نبوی)



)

يعني معامله غرري (زيان آوري كه نتيجه آن نامعلوم است) باطل است .
دكتور محمدی ، مباني استنباط حقوق اسلامي ، ص ۹۴

۷۲- اوفوا بالعقود . (متن ده ۱/)

يعني : به پيمانها و قراردادهاي خود وفا كنيد . (ماده ۱۰ قانون مدني)

قواعد كيفري

۷۳- لا تقيه في الدماء .

يعني : جايي كه پاى جان در ميان است تقيه جايز نيست .
(وسائل الشعبه ، ج ۱۱ ، ص ۴۸۳- مكاسب ، ج ۴ ، ص ۳۵۶)

۷۴- عمد الصبي بمنزله الخطا-

يعني : فعل عمدی کودک همانند فعل خطايی محسوب می شود .
(القواعد و الفوائد ، ج ۱ ، ص ۲۲۳)

۷۵- لا كفاله في الحد . (حديث نبوي)

يعني : شفاعت كردن و درخواست به تأخير انداختن ، در حدود جايز نيست .
(ترمينو لوژی حقوق ، ش ۴۵۰۸)

۷۶- قاعده جب .

متن : الاسلام يجب ما قبله . (حديث نبوي)

يعني : مسلمان شدن ، گناهان پيش از آن را پاک می کند .
(القواعد الفقهيّه ، ج ۱ ، صص ۳۹، ۳۶ ، ۴۶- اصا ۱۶۹ قانون اساسي - ماده ۱۱ قانون مجازات اسلامي - ماده ۴ قانون مدني)

۷۷- اقامه الحدود الى من اليه الحكم .

يعني : اجراي حدود و مجازلت ها به دست حاكم است . (اصل ۳۶ قانون اساسي)

۷۸- الامتناع با لا اختيار لا ينافي الاختيار .

يعني : از روی اختيار و قدرت اگر باعث تحقق چيزی شويم ، موجب نمی شود كه فاعل را مسلوب

الاختيار تلقى كرد .

(دائره المعارف حقوق ، ج ۵ ، ص ۵۰ ، - ماده ۵۳ قانون مجازات اسلامي)



۷۹- قاعده درا .

: الحدود تدرا بالشبهات .

يعنى : اجراى حدود با حصول شبهه متوقف مى شود .

(الا شبهاء و النظائر ، صص ۱۲۲ و ۱۲۳- مواد ۶۶ و ۶۷ قانون مجازات اسلامى)

۸۰- دم المسلم لا يذهب هدرا .

يعنى : خون مسلمان نبايد پايمال شود . (مواد ۳۱۲ و ۳۱۳ قانون مجازات اسلامى)

۸۱- الضرورات تنقدر تقدرها .

يعنى : در موارد ضرورى بايد به حداقل اكتفا كرد . (ماده ۵۵ قانون مجازات اسلامى)

۸۲- الضرورات تبيح المحظورات . (حقوق رم legemtnacessitas non bab)

يعنى : ضرورتها باعث مباح شدن امور ممنوعه مى شود .

(سوره مائده ۳- سبوطى ، الشبهاء و النظاير ، ص ۶۰- ماده ۵۵ قانون مجازات اسلامى)

۸۳- قاعده ارش .

متن : كل جنايه لا مقدر لها ففيتها ارش .

يعنى : بر هر جنايتى كه ديه اش معين نشده ، ارش تعلق مى گيرد .

(ماده ۳۶۷ قانون مجازات اسلامى)

۸۴- كل عضو تقتص منه مع وجوده توخذ الديه مع فقده .

يعنى : هر عضوى كه موجود است بايد قصاص شود و در صورت فقدان ، به جايش ديه گرفته مى شود .

(ماده ۲۹۳ قانون مجازات اسلامى)

۸۵- قاعده اضطرار

متن : كل محرم اضطر ، اليه فهو حلال .

يعنى : در حال اضطرار ، هر حرامى حلال مى شود . (ماده ۵۵ قانون مجازات اسلامى)

۸۶- كل من لم يباشر بالقتل لم يقتص منه

يعنى : هر فردى كه مباشر قتل نباشد قصاص نمى شود . (تبصره ۱ ماده ۲۶۹ و ماده ۲۰۷ قانون مجازات

اسلامى)



۸۷- لا ديه لمن قتله الحد

يعنى: ديه به كسى كه بر اثر اجراى حد كشته شده باشد ، تعلق نمى گيرد. (ملاك ماده ۳۳۲ قانون مجازات اسلامى)

۸۸- لا ربا الا فيما يكال او يزون

يعنى: ربا جز در اموال مكيل و موزون جارى نيست . (ماده ۵۹۵ قانون مجازات اسلامى)

قواعد اصولي و مشترك

۸۹- قاعده اذن .

متن : الاذن فى الشيئ اذن فى لوازمه .

يعنى : اذن دادن در چيزى ، اذن در لوازم آن نيز هست .

(القواعد و الفوائد ، ج ۲ ، ص ۷۰ ، قاعده ۱۶۷)

۹۰- قاعده اشتراك

متن : همه مسلمانان در همه عصرها و زمانها نسبت به تكليف شرعيه بكسانند .

۹۱- قاعده تساقط

متن: اگر دو دليل با هم معارض بودند هر دو از درجه اعتبار ساقطند.

۹۲- وان الظن لا يغنى عن الحق شيئاً (سوره نجم / ۲۸)

يعنى: وگمان ، هيچ گاهچيزى از حق را بر ما روشن نمى سازد.

۹۳- الولد يلحق باشراف الوالدين

يعنى: فرزند به والد شريف تر (مسلمان) تعلق مى گيرد.(از حيث مسلمان بودن)

۹۴- عدل و انصاف

متن: اگر در تعلق مالى به يكى از دو نفر مردد باشيم بين آن دو بالمناصفه تقسيم مى گردد

۹۵- فحوا

رعايت مفهوم موافق در جمله يا دستور و سرايت دادن حكم از فرد ضعيف به فرد قوى.

مثل آيه (لا تقل لهما اف) كه به طريق اولى ، ضربه شتم والدين را هم نهى مى كند .



۹۶- مقدمه واجب ، واجب است ولي مقدمه حرام ، حرام نيست مگر موصل به حرام باشد.

۹۷- قاعده تلازم

متن: كلما حكم به العقل حكم به الشرع و كما حكم به الشرع حكم به العقل
يعنى: بر هر چه كه عقل حكم كند ، و بر هر چه كه شرع حكم مي كند ، عقل هم حكم مي نمايد .

۹۸- الممنوع شرعا كالممتنع عقلا

يعنى: چيزي كه شرعاً ممنوع است گويا عقلاً هم قابل انجام نيست. (تحرير الجملة ، ص ۳۴)

۹۹- اجتهاد در مقابل نص جايز نيست. (تحرير الجملة ، ج ۱ ، ص ۲۱- اصل ۱۶۷ قانون اساسي)

۱۰۰- الميسور لا يسقط بالمعسور

يعنى: كار قابل انجام دادن به واسطه حدوث كار غير ممكن ، از گردن ساقط نمي شود . (القواعد الفقيهيه ج ۴ ، ص ۱۲۱)

۱۰۱- اعمال الكلام اولي من اهماله

براي كلام و عبارت به كار رفته ، معنى و مفهوم قايل شدن ، بهتر از بيهوده پنداشتن آن است.

۱۰۲- الاصل دليل حيث لا دليل

اصل در جايي قابل استناد است كه دليل قانوني موجود نباشد .

(عوائد الايام ، ص ۷۳- مواد ۱۹۷ و ۱۹۸ قانون آيين دادرسي مدني)

۱۰۳- المطلق ينصرف الى فرد شائع

معنى و مفهوم موضوع مطلق ، به فرد شايع و رايج آن منصرف است .

۱۰۴- قبح تأخر بيان در وقت حاجت

بيان نكردن مراد ومقصود در موقع نياز بدان ناپسند است ، ولي سكوت در وقت بيان خود نوعي بيان است .

۱۰۵- ما من عام الاو قد خص

هيچ عامي نيست كه تخصيص نخورده باشد .

۱۰۶- وصف به موصوفنزد يك تر بر مي گردد.

اگر چند موصوف با يك وصف بيان شده باشند آن وصف ، متعلق به موصوف آخر خواهد بود .

۱۰۷- مورد ، مخصص نيست .

اگر چيزي براي مورد خاصي ذكر شده باشد ، دليل بر آن نيست كه فقط به آن مورد خاص اعلق دارد.



- الاجتهاد لا ینقض بمثله

اجتهاد را اجتهاد دیگر نقض نمی کند . (الاشباه و النظائر ، ص ۴۱- تحریر الجماعه ، ج ۱ ، ص ۲۲)

۱۰۹- اذا جاء الاحتمال بطل الاستدلال

اگر احتمال به جایی وارد شود استدلال فایده ای ندارد. (دکتر محمدی ، قواعد فقه ، ص ۱۶۱)

۱۱۰- اذا زال المانع عادالممنوع

اگر مانع بر طرف شود موضوع منع شده به جای خود بر می گردد. (دانشنامه حقوقی ، ج ۴ ، صص ۴۳۲-۴۳۷)